

کودکان خیابان زیر بار کار

امروز روز جهانی مبارزه با کار کودکان است، روزی که در آن صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) از رنج بیش از صد میلیون کودک کار در جهان می‌گوید که بیشترشان دخترانی هستند ...



امروز روز جهانی مبارزه با کار کودکان است، روزی که در آن صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) از رنج بیش از صد میلیون کودک کار در جهان می‌گوید که بیشترشان دخترانی هستند که دچار تبعیض جنسیتی می‌شوند و در مکان‌هایی دور از دید، در بشت دبا، کارخانه‌ها، در زیرزمین‌ها یا در بشت ده‌ها، بسته خانه‌ها به کار گرفته می‌شوند. یونیسف نگران فروش و قاچاق کودکان، ثبت نام اجباری کودکان سرباز، استفاده از کودکان برای تن فروشی و هرزه نگاری و به کارگیری آنها در هر کاری است که به کودکان آسیب می‌زند.

امروز روز جهانی مبارزه با کار کودکان است، روزی که فرصتی است برای ما تا از کودکان کار و خیابان مان بگوییم که سال هاست از آنها حرف زده می‌شود، ولی تا به حال نه از رنج شان کم شده، نه از تعدادشان.

این آمار واقعی است؟

در چهارراه‌ها، پشت چراغ‌های قرمز، در حاشیه اتوبان‌ها، در آجرپزخانه‌ها، دوش به دوش متکدیان، در کارگاه‌های فرش‌بافی و در مزارع بی انتها همیشه می‌شود کودکان کار را دید، ولی آمارهای رسمی وجود کمتر از 400 هزار کودک کار در کشور را تأیید می‌کند که عددی کوچک تر از آنچه که در واقعیت دیده می‌شود، به نظر می‌رسد.

با این حال روزبه کردونی، مدیرکل آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در میزگردی که به مناسبت بزرگداشت روز حمایت از کودکان کار در ایسنا برپا شد، به این آمار استناد کرد که به صورت تفکیک شده به اشتغال 23 هزار و 619 کودک 10 تا 14 سال در مناطق شهری و اشتغال 323 هزار و 494 کودک 15 تا 18 سال در مراکز روستایی کشور اشاره دارد.

کودک کار و سرگردانی او در خیابان به این علت مهم است که او عضوی از یک خانواده از هم پاشیده است، کودکی که به احتمال زیاد یتیم است، یا سرپرستی ندارد یا اگر دارد سرپرست‌ها استحقاق نگهداری از کودک را ندارند. کودک کار می‌تواند عضوی از یک خانواده درگیر اعتیاد باشد، خانواده‌ای که حاضر است از کودکش بهره‌کشی کند تا خرج اعتیادش جور شود. کودکان کار در خانواده‌های فقیر نیز تولید می‌شوند چون کودک برای این‌ها نیروی کار پولساز است و تکیه گاهی برای روزهای سخت. بی‌علت نیست که سازمان ملل متحد همواره خواستار مقابله با فقری است که عامل اصلی کار کودکان است.

بیمه کودکان کار؛ چتری که همه از آن سهم نمی‌برند

روزی که در همایش بیمه سلامت همگانی، حسن روحانی دفترچه‌های بیمه سلامت را به 13 نفر از نمایندگان قومیت‌های مختلف کشور، دو نوزاد تحت سرپرستی شیرخوارگاه و دو کودک کار داد، همین که کودک کار دیده شد و به چشم آمد روزه‌های امید برای بهبود زندگی آنها باز شد.

گرچه این حرکت، نمادین بود و مثل همه حرکات سمبلیک ممکن است در همین اندازه باقی بماند، ولی استثنا دانستن کودکان کار و این که آنها نیز به اندازه اقلیت‌ها و کودکان بی سرپرست نیازمند توجه اند، برگ برنده‌ای برای این کودکان است.

اما فعالان حقوق کودک که به میزگرد ایسنا آمده بودند، به بیمه نمادین کودکان کار با این نگاه مثبت نگاه نمی‌کنند، تا آنجا که محمد لطفی، نماینده سازمان‌های مردم نهاد فعال حقوق کودک در وزارت کار و رفاه اجتماعی از اصطلاح چتر سوراخ بیمه درمان بر سر کودکان کار مهاجر و فاقد شناسنامه استفاده کرد. درواقع او مدافع برخورداری این کودکان از بیمه درمان است که تا به حال اتفاق نیفتاده، همچنین طالب برقراری بیمه‌های اجتماعی در کنار بیمه‌های سلامت، چون براساس تحلیل او، فقر اقتصادی باعث می‌شود خانواده‌ها بخشی از کالا و خدمات را حذف کنند و به عنوان مثال در اثر ناتوانی در پرداخت هزینه‌های مدرسه، کودک خویش را از ادامه تحصیل بازدارند.

این فعال حقوق کودک، براساس همین نگاه، گناه به کار گماردن کودکان در خانواده‌های فقیر را نه فقط به دوش خانواده‌ها که بر گردن جامعه‌ای می‌اندازد که شرایط را برای خانواده‌ها به حدی سخت می‌کند که آنها مجبور به چنین انتخابی می‌شوند.

کودکان بی‌گناه در خانواده‌های مشکل‌دار

باید شانس با یک کودک کار یار باشد تا کسی بهتر از اعضای خانواده اش شود. پس اگر شانس یار او نباشد و راه‌های نجات به رویش باز نشود، او کسی می‌شود شبیه خانواده خویش، با همان مشکلات، با همان معضلات و با همان آسیب دیدگی‌ها.

این نگرانی در گفته‌های طاهره پژوهش، از اعضای انجمن حمایت از حقوق کودکان وقتی در میزگرد ایسنا حاضر شده بود، بخوبی دیده می‌شد. او نیز معتقد است گروهی از کودکان به دلیل فقر اقتصادی خانواده مجبور به کارند، گروهی دیگر در کنار خانواده نیستند و مجبورند برای آنان پول بفرستند و گروهی دیگر نیز کودکانی هستند که به اسم کودکان کولی شناخته شده‌اند که برای تک‌تک آنها باید جداگانه برنامه ریزی کرد.

این فعال حقوق کودک، جلوگیری از تولید کودکان کار به روش تنظیم خانواده در میان اقشار در معرض آسیب را نیز ضروری می‌داند و می‌گوید با خانواده‌ای سر و کار دارد که در زمان شروع کارهای حمایتی برای آنها هفت فرزند داشت، اما اکنون این

تعداد به 14 فرزند رسیده و کودکی که قبلا مددجو بود، الان معتاد و سرپرست خانواده شده و کودک کوچک تر، نان آور.

کودکان حقوقشان را بشناسند

این که همیشه کودکان مجبور به اطاعت از بزرگ ترها هستند و به سخت ترین و تلخ ترین کارها گماشته می شوند، گرچه به کوچکی جثه و بالغ نبودن افکار کودکان و نیز اجرا نشدن قانونی که مجبور کردن کودکان به کار را جرم می داند، ربط دارد، اما از نگاه میترا امام، عضو کانون فرهنگی حمایتی کودکان کار، کم کاری آموزش و پرورش نیز در این حوزه بی تاثیر نیست.

او می گوید پیمان نامه حقوق کودک باید در مدارس تدریس شود که البته نمی شود و مهارت های اجتماعی و مراقبت از خود در مدارس به کودکان آموزش داده نمی شود، در عوض، همه هم و غم معلم بر این است که کتاب ها و سرفصل های آموزشی را تا موعد مقرر تمام کند.

گفته های این کارشناسان و فعالان حقوق کودک را که روی هم جمع کنیم، خواهیم دید امروز که روز جهانی مبارزه با کار کودکان است تا چه اندازه برای کودکان سرزمین ما حیاتی است؛ کودکانی که امروز دیده نمی شوند و در مشکلات تنها می مانند، ولی فردا در زندان ها، در پای چوبه های دار به چشم می آیند و سرزنش می شوند.

مریم خباز - گروه جامعه